

لوکلزیو و پیشرفت های ادبی

تالیف: بهزاد بهرامی نسب

www.ketab.ir

عنوان و پدید آورنده: لوکلزیو و پیشرفت های ادبی / بهزاد بهرامی نسب
مشخصات نشر: تهران: اندیشه عصر، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: وزیری

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: لوکلزیو، ژان- ماری گوستاو، ۱۹۴۰-م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۹۱-۷۰-۹

رده بندی کنگره: PQ۲۶۸۰/و۸ ی۷ ۱۳۹۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۵۶۲۵۶

📖 نام کتاب: لوکلزیو و پیشرفت های ادبی

✍ مولفین: بهزاد بهرامی نسب

✪ ناشر: اندیشه عصر، ۶۶۹۱۴۳۰۱-۶۶۴۲۴۶۱۷

✪ ناشر همکار: اندیشه سبز نوین

✪ شمارگان: ۱۰۰۰

✪ نوبت: چاپ اول- ۱۳۹۳

✪ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۹۱-۷۰-۹

✪ قیمت: ۹۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تهران- میدان انقلاب- ابتدای خیابان آزادی- روبروی سینما مرکزی- بازار

بزرگ انقلاب- طبقه زیر همکف- پلاک ۹ تلفن ۶۶۹۱۴۳۰۱-۶۶۴۲۴۶۱۷



www.andisheasr.com

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۷	فصل اول: زندگینامه ژان ماری گوستاو لوکلزیو
۲۰	لوکلزیو برنده نوبل ۲۰۰۸
۳۶	انتقاد از انتخاب لوکلزیو
۳۸	پیدایش و شکل گیری ژانر (رمان) در سالهای ۷۰- ۱۹۵۰ در ادبیات فرانسه
۵۵	فصل دوم: آثار و سبک نگارش ژان ماری گوستاو و مراحل تکامل آن
۵۶	در جستجوی هویت: پیشرفتهای ادبی لوکلزیو در سالهای ۷۰- ۱۹۶۰
۶۳	مراحل تحویل آثار ژان ماری گوستاو لوکلزیو در سالهای ۲۰۰۰- ۱۹۸۰
۶۹	مردی با دو زادگاه- بحث رمان و مکان دو آثار لوکلزیو
۷۰	ارتباط لوکلزیو با نویسندگان گذشته
۸۳	نظر نویسندگان معاصر در مورد ژان ماری گوستاو لوکلزیو
۹۱	فصل سوم: تصویر و مفهوم انسان قرن بیستم در آثار ژان ماری گوستاو لوکلزیو
۹۲	نگاهی به رمان آفریقایی
۱۰۴	نگاهی به رمان بیابان
۱۱۸	نگاهی به داستان موندو
۱۲۹	بازگشت خردمندانه در شعر جان کیس و نوشتار لوکلزیو
۱۴۹	نتیجه
۱۵۴	منابع و مآخذ

باسمه تعالی

مقدمه

قرنی که ما در آن زندگی می کنیم شاهد تحول و دگرگونی عمیق در همه رشته های هنری و ادبی است . شعر نو و موسیقی نو و نقاشی نو و داستان نو بوجود آمده و افقهای تازه ای در برابر دید هنر دوستان گشوده شده . هر عصر تاریخی و هر نسل بشری هنری مخصوص و مناسب خود دارد و زیبایی را به شیوه خاص خود می نگرد . این هنر اگر ریشه یابد و دوام یابد معلوم می شود که حق بقا دارد . حتی اگر کارش فقط تخریب باشد و هیچ بنای تازه ای بجای آن بر پا نکند باز می توانیم مطمئن باشیم که این تخریب انقلابی به دنبال خواهد داشت .

در سر تاسر اشعار جدید تلاش برای مبارزه با درون جوئی رومانتیک ها و برون جوئی رئالیستها به چشم میخورد ، شعر نو آفرینش شاعرانه واقعیت است . در مکتب رومانتیسم شعر گریزی است به سوی واقعیت اما واقعیتی که از قبل به صورت ساخته و پرداخته وجود داشته و همان تجربه احساسات است . در مکتب رئالیسم شعر وسیله یبانی است که در همه موارد بکار می آید . اما در ادبیات جدید شعر به اشیاء امور ساخته و پرداخته و شناخته شده و نیز به شرح تجربه زندگی یا وصف منظره یا نقل داستان و بیان اندیشه نمی پردازد . شعر کار آفرینش شاعرانه دارد به عقیده مالارمه و والری شعر از الفاظ به وجود می آید . خصوصیت مشخص شعر معاصر ، مقاومت در برابر فهم فوری و بیواسطه خوانندگان است و احساسات و زبان و عقل و واقعیت و داستان سرائی را طرد می کند و با زیبایی مفروض به هر گونه که باشد مخالف است .

شعر نو آفرینش شاعرانه واقعیت و آفرینش شاعرانه زبان است. آندره برتون می گوید: «باید الفاظ با یکدیگر عشقبازی و بوس و کنار کنند.»^۱

در تحول رمان می توان رمان نو را رمان شاعرانه نامید که در برابر سنت قدیم رمان که واقعیت را به شیوه قراردادی و تصنعی نویسنده می نگریست و به قالب کلام توجهی نداشت، قد برافراشت و خواننده را در ظلمات سحر آسائی فرو برد. رمان قرن بیستم خواست آنچه را وجود انسان بر اشیاء افزوده است به بیننده شرح دهد و نزدیکی رمان به شیوه اهل تحقیق و تتبع و طرح مسائل و مشکلات زندگی از نشانه های تحول رمان بود. داستان پردازی وسیله شناسایی طبیعت و تجسس و پژوهش شد. نویسنده از راه رمان کوشید که مسائل فردی و مشکلات شخصی خود را به شکل تمثیل نشان دهد و راه چاره ای بجوید. شرح داستان فقط بهانه بیان اعتقاد یا خلجان روحی نویسنده قرار گرفت. نویسندگانی نظیر جرج مردیت و هنری جیمس و مارسل پروست حالات روانی بشر را مانند زیر دست ترین روانشناسان بررسی و عمق یابی کردند. اصل تجربه زندگی مبتای ادبیات قرن بیستم است و اغلب خوانندگان در میان رمان به دنبال خاطرات شخصی نویسنده می گردند. خواه این رمان را آندره ژید نوشته باشد خواه ماکسیم گورکی. در نظر این نویسندگان مقصود از رئالیسم شرح تجربه شخصی نویسنده است نه وصف مشاهدات او. آنها خونسرد و بیطرف و تماشاگر حوادث جلوه می کنند. رمان باید مبین جهان بینی وسیع نویسنده باشد. رمان باید از همان وهله اول ما را تکان دهد و از همان جمله های نخستین دنیای وسیع ولی مبهمی را در برابر دیدگان ما بگستراند و ناگهان خواننده را در میان حوادث بگذراد و خواننده باید برای فهم مطلب در آن نفوذ کند و مانند خود رمان

^۱ - سید حسینی رضا - مکتبهای ادبی - انتشارات زمان - ۱۳۶۵ - صفحه ۵۳۳

نویس رمان را از نو بسازد و به قول آندره ژید رمان برای تکمیل خود احتیاج به همکاری خواننده دارد.

ولی همه این رمانها و این تازه جوتیها در فاصله بین دو جنگ بوجود آمد. جنگ جهانی دوم برای چند سال هرگونه تازه جویی را متوقف گذاشت و پس از جنگ نوعی بلا تکلیفی بوجود آمد و شاید برای از میان بردن این بلا تکلیفی بود که تلاشهای تازه ای در عالم رمان آغاز شد که مهمترین آنها جریان رمان نو بود. اصطلاح رمان نو اگر چه در این روزگار تقریباً مانند مکتب جافتاده ای شهرت یافته و تئورسین هایی هم پیدا کرده است، در واقع نامی است که بوسیله روزنامه نویسان به عده ای فعالیت‌های پراکنده داده شده است. هدف مشترک این نویسندگان انکار عده ای از قالبهای موجود رمان در دنیا بوده آنها می خواستند رمانی را جایگزین رمانهای مرسوم کنند که در قالب قراردادهای رمان نویسی نباشد و از واقعیت خاص بیان الهام بگیرد. هرچند که دوفنر از پیشوایان رمان نو یعنی ناتالی ساروت و آلن رب گریه کوشیدند جنبه تئوری و قاعده به عقاید خود بدهند ولی نتیجه هایی که گرفته با هم متفاوت بود. همین اختلاف عقاید و آثار نویسندگان رمان نو سبب شد که بگوییم رمان نو نه یک مکتب است و نه یک نهضت واحد، اما اکثر آنها معتقدند که رمان نباید بر روی «انتریگ» و یا قهرمانان بنا شده باشد و باید مرگ قهرمانان و نیز مرگ طبقه بندی های روانشناسی و فلسفی را در رمان اعلام کرد. آنها می خواهند که نویسنده خود را فراموش کند و یا بکلی خود را از رمان حذف کند و بجای آن اشیا را همان طور که خود را نشان می دهند نشان دهد. زیرا کاری که نویسنده پیش از این می کرد نگاه کردن به اشیا از ورای شخصیت خود و یا قهرمانان داستانش بود. به نظر رب گریه رمان باید مجموعه بسیار دقیقی باشد از این دنیایی که در خارج از وجود ما هست دنیای خاص اشیای محض. او با رمانهای خود اولین نمونه های این ادبیات را عرضه کرد. در کتاب پا کن ها، کوچه، خانه ها کانال های

آب، اشخاص رمان فقط به صورت مجسمه هایی وجود دارند و یا اشیایی هستند که نمی دانیم چه نیروهایی آنها را حرکت می دهند و او حتی در کتاب حسادت که در سال ۱۹۵۷ منتشر شده است تداوم داستان را هم کنار می گذارد.

بر عکس رب گریه که همیشه می خواهد در سطح اشیا بماند، ناتالی ساروت در عین حال که از تیپ سازی حذر می کند در آثار خود زندگی پر جوش و خروش انسانها را با مشخصات مبتذل آنها بیان می کند یعنی زندگی واقعی و روابط انسانی را، ولی انتر یگی که داستان را بهم مربوط می کند در نزد او هم نامفهوم است و هیچ اهمیتی ندارد.

میشل بوتز نیز اهمیت فراوانی به دنیای بیرون می دهد و هیچگونه عقیده ای به روانشناسی ندارد ولی برای قهرمانان اثرش و روابطی که آنها با دنیا دارند اهمیت قائل است. در هر صورت رمان جدید نیز یکی از نسخه هایی است که برای رمان بیمار قرن معاصر تجویز شده است. ولی این نسخه ها تا چه حدی در بهبودی آن کمک خواهد کرد؟ مسئله ای است که قصاصات آن با اهل هنر و ادب است.

ناتالی ساروت عقیده داشت که جنبش رمان نو بسیار سودمند اما بسیار پراکنده بود. فکر رمان نو در سال ۱۹۷۵ با کتاب «عصر بدگمانی» ناتالی ساروت آغاز شد ولی باید گفت که این فکر از نویسندگان بسیار گوناگونی شکل گرفته است و هر یک برای نوشتن راهی متفاوت در پیش گرفته اند. هیچ وجه مشترکی در میان این نویسندگان وجود نداشت جز این اندیشه که رمان، مانند هر شکل دیگری از هنر، باید پیوسته نو باشد. رمان نو یک مکتب نیست بلکه یک جنبش تاریخی است و آلن رب گریه اولین کسی بود که در اندیشه تشکیل چنین جنبشیرای مقابله با ادبیات سنتی بود. رمان نو هیچگاه گروهی از افراد نبود که مانند سورئالیستها با هم کار کنند، البته ناتالی ساروت سخنرانی هایی درباره رمان نو داشت، دیگر نویسندگان رمان نو

، مثل آلن رب گریه هم مقاله هایی درباره رمان نو نوشتند ، اما هیچ وقت گروه منسجمی از روشنفکران و رمان نویسان برای این جنبش وجود نداشت .

به نظر بسیاری از هنر دوستان یکی از شخصیهایی که توانسته است این خلاء ادبی و بیماری داستان قرن معاصر را در ادبیات فرانسه علاج نماید ژان ماری گوستاو لوکلزیو پرفروشترین نویسنده این روزهای فرانسه است . او که خود را متعلق به همه شهرها و همه محله ها می داند می گوید : فرانسه فقط کشور من است ، جایی که در آن زندگی می کنم . شاید هم به همین دلیل باشد که هر خواننده ای در هر جای دنیا با لوکلزیو احساس نزدیکی میکند و می تواند گوشه ای از خود را در آثار او بیابد . در سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۵ دو مسئله عمده مورد توجه نویسندگان این دوره بود : زبان و ماده و می گفتند تنها اندیشه ای وجود دارد که به بیان در آید .

دریافتهای حسی ممکن است ما را فریب دهد اما کلمات شفافند و ما را در درک امور یاری می دهند . آشنایی لوکلزیو با اسطوره های سرخپوستی در آغاز دهه هفتاد باعث شد تا جایگاه خود را در هستی بیابد . لوکلزیو زبان را رها کرد و از یوغ آن خارج شد تا ارتباطی حقیقی با ماده برقرار کند . به همین دلیل شخصیهایی برجسته رمان ها و داستانهایش بیشتر در سکوت زندگی می کنند .

در « بیابان » یکی از اصلی ترین شخصیهایی داستان ، زبان آدمیان را بلد نیست ولی بیش از همه با طبیعت و ماده عجین است . لوکلزیو فرد سرخپوستان پاناما این رهایی از زبان را حس کرد زیرا برای آنها هیجانات تنها شیوه ممکن برای شناخت حقایق است .

به نظر لوکلزیو رسالت نویسنده این است که مانند جادوگر انسانها را افسون کند . او به خاطر روح سرشار از انسان دوستی و صدایی چند فرهنگی ، ماجراجویی شاعرانه و شعف جسمانی در داستانهایش در سال ۲۰۰۸ برنده جایزه ادبی نوبل شد . البته سبک نوشتاری لوکلزیو سبکی تقریباً رئالیستی است اما نوشته هایش کاملاً در

مکتب رئالیسم قرار نمی گیرد. او تمامی عناصر کلاسیک رمان از قبیل *action*، انتریک، شخصیتها و..... را بکار نبرده است. او خوانندگان را به همکاری در فهم نوشته هایش دعوت می کند و نتایج داستان را به آنان واگذار می نماید. سبک نوشتاری او می تواند تلفیقی از رمان نو و رئالیستی باشد که بعد از حدود نیم قرن توانسته است ادبیات فرانسه را دچار تحولی در خور توجه نماید. علیرغم اینکه لوکلزیو یکی از نویسندگان معاصر فرانسه است، لیکن پژوهشگران و نویسندگان، اساتید دانشگاه و دانشجویان رشته ادبیات فرانسه و شعرا و ادبای زیادی در خصوص این نویسنده قلم بردازی نموده اند. افرادی چون ژان پل میشو شاعر و منتقد ادبی فرانسه که برخی از کارهای توصیفی لوکلزیو را با اشعار بودلر مقایسه نموده است و ایزابل روسل گییه استاد و محقق فرانسوی که در مورد توازن و اسطوره در دنیای رمانهای لوکلزیو تحقیقی را ارائه کرده است و او را نویسنده ای پرتوان و چند صدایی می نامد، همچنین تانگی دو هولو نقاش معروف فرانسوی که لوکلزیو را در جمع آوری عناصر اصلی نقاشی هایش موثر می داند و فیلیپ واتس منتقد معروف آمریکایی که لوکلزیو را مورد نقد قرار می دهد و او را یک غیر بومی صاحب سبک ساده متهم می کند و فیلیپ سولر نویسنده فرانسوی که سبک لوکلزیوی عجیب را ساده، متمرکز، حقیقی و کتمان کننده افکار خود معرفی می کند و او را بدنی می نامد که لباس تفکر و رویا برتن دارد و او را کسی می نامد که روحیه انتقام ندارد و دید بازی بر روی فکر و شعر و تاریخ و اسطوره دارد.

از جمله کارهای شاخصی که در مورد لوکلزیو صورت پذیرفته می توان به موارد ذیل اشاره داشت:

- ۱- " « لوکلزیو زندگی مدرن را ترسیم می کند » . توسط مارینا سال " ^۱
- ۲- " « زبان فرانسه شاید کشور واقعی من باشد » . کاری از تیر تانکار شانادا " ^۲
- ۳- " « لوکلزیو فردی کم رو که به پیروزی نایل گشت » کاری از ژان کلود لامی " ^۳
- ۴- " « لوکلزیو : باید به خواندن رمان ها ادامه داد » توسط کریستین روسو " ^۴
- ۵- " « بیوگرافی لوکلزیو » توسط پاسکال آرگداس " ^۵
- ۶- " « لوکلزیو جایزه نوبل ادبی یا سخن از یک ادبیات جهانی » توسط الیزابت بووه " ^۶
- ۷- " « فضای واقعیت ، فضای رویا در جوینده طلا و سفر به ردیگ » توسط آله ساندرا فرارو " ^۷

-
- ۱- Marina Salles , le clézio peintre de la vie moderne , L' Harmattan, ۲۰۰۷, P.۹۰
 - ۲- " La langue française est peut-être mon véritable pays " entretien avec Tirthankar Chanda , écrivains d'aujourd'hui no۴۵, ۲۰۰۱
 - ۳- Jean-Claude Lamy , " Le Clézio , un timide rattrapé par la gloire " Le Figaro , ۳ juillet ۲۰۰۸, P.K
 - ۴- Christine Rousseau , " Le Clézio : Il faut continuer de lire des romans " , Le Monde , ۹ octobre ۲۰۰۸
 - ۵- Pascale Arguedas , " Biographie de Le Clézio " , sur le site " Calou , L'ivre de lecture "
 - ۶- Elisabeth Bouvet , " Le Clézio prix nobel de la littérature ou L' éloge d'une littérature – monde , ۹ octobre ۲۰۰۸
 - ۷- Alessandra Ferraro , " Espaces réels , espaces revés dans Le Chercheur d' or et voyage à Rodrigues " in Kurnari R.Issur , vinesh Y.Hookoomsing (dir) .

اما کاری که در این تر به صورت ویژه به آن پرداخته شده است، نگاه چند بعدی به کارهای این نویسنده چه از منظر رمان نوی رئالیستی و چه از منظر رمانتیسیم در توصیف طبیعت است (به طور خاص مقایسه داستان موندو لوکلزیو و شعر معروف جان کیس که پر از عبارتهای توصیفی رمانتیسیمی است) همچنین در این مقال به بررسی تاثیر پذیری لوکلزیو از جریانهای فکری و ادبی دوره های مختلف و نیز اتفاقات و حوادث اجتماعی نظیر پست مدرنیسم و دنیای مدرن و صنعتی فعلی، جنگ جهانی دوم و قتل عام زنان و کودکان بی گناه در این جنگ، تاثیر پذیری از اسطوره های سرخپوستی و فرهنگ آفریقا و ادبیات مکزیکی و دوری از پدر در زمان جنگ و زندگی با مادر و مادر بزرگ و فراگیری داستانهای شفاهی از آنها و نقش سفر در دنیای نویسنده گی این نویسنده بزرگ فرانسه پرداخته شده است.